

دکتر موسوی‌زاده در گفت‌وگو با سیاست روز:

اروپا تسلیم فشار امریکا می‌شود

ایران با تکیه بر مقاومت می‌تواند به آلمان منطقه تبدیل شود

ادامه از **صفحه اول**
در اصل از یک‌سوی نخست‌وزیر بر سر آینده سیاسی خود و از سوی دیگر حزب محافظه‌کار بر سر جایگاه خود و منافع ملی قمار کردند. واقعیت این است که انتخابات داخلی که هر ۴ سال با ۵ سال برگزاری می‌شود قابل کنترل است چراکه فعل و انفعالات داخل پارلمان و داخل حزب را می‌توان هدایت و تسویق کرد که در چه جهتی حرکت کند، اما وقتی رفراندوم خارج از پارلمان در اختیار عوام قرار می‌گیرد، این باعث عدم کنترل شرایطی رای دهندگان خواهد شد. در واقع این خطای محاسباتی بود که حزب محافظه‌کار با اعتماد به نفس زیاد خود به آن دچار شد. این رفراندوم و رأی قشر ضعیف جامعه به آن موجب حرکت اقتصادی با ۵۲ کشور موضع احیا کند، اما اینکه سیاست خارجی، منافع اقتصادی و منافع ملی انگلیس مستلزم همکاری با اروپاست ولی از اینجاکه بی‌تقاضی و بحرانی شده که براساس آن از یک‌سوی بریتانیا براساس رأی مردم باید اجباراً خروج از اتحادیه را انجام دهد و از سوی دیگر نیازمند تجارت با همسایگان خود است. چون کشوری است که براساس تجارت زندگی می‌کند. شاید بتواند بازار مشترک‌مانع را به عنوان یک پلوک اقتصادی با ۵۲ کشور موضع احیا کند، اما هزینه‌ها بسیار بالا می‌رود چراکه عضو این جامعه بودن مانند این است که عضو سنسندیکا باشید و قطعا هزینه‌های شما بسیار پایین است اما وقتی از آن خارج شوید از این امتیازات محروم شده و مانند یک فرد عادی با شما برخورد می‌شود. مثلاً انگلیس عضو اتحادیه اروپا در روابط با امریکا به عنوان یک حلقه واسط میان اروپا و امریکا می‌تواند ایفای نقش کند اما با خروج از اتحادیه، امریکا دیگر با این‌سور دید به آن نگاه نمی‌کند و انگلیس را یک کشور مترقیه می‌بیند همین بحران بزرگی برای بریتانیا است.

پس یعنی اینطور معتقدید که خروج از اتحادیه باعث خروج انگلیس می‌شود تا اتحادیه اروپا؟ واقعیت این است که همه ضرر می‌کنند اما به هر حال وقتی تنها می‌مانید، هم خود ضرر می‌کنید هم برای وقتی که ثروتمندی از یک کلوب خارج می‌شود هم خود ضرر می‌کند هم آن کلوب و البته در اقمی نقاط جهان به مرور زمان تأثیر خود را خواهد گذاشت.

پس یعنی اینطور معتقدید که خروج از اتحادیه باعث خروج انگلیس می‌شود تا اتحادیه اروپا؟ واقعیت این است که همه ضرر می‌کنند اما

به هر حال وقتی تنها می‌مانید، هم خود ضرر می‌کنید هم برای وقتی که ثروتمندی از یک کلوب خارج می‌شود هم خود ضرر می‌کند هم آن کلوب و البته در اقمی نقاط جهان به مرور زمان تأثیر خود را خواهد گذاشت.

- آمریکای فعلی همان آمریکای قبلی است و صحبت‌های ترامپ برای شعارها و مباحث داخلی است و پیامد آن نیز فقط تنش است و پیامد مثبتی ندارد. دولت ترامپ از ابتدای روی کار آمدن تاکنون یک لایحه را نتوانسته در کنگره تصویب کند و اقداماتش صرفا ویتربینی و نمایشی است؛ اینها را نباید جدی گرفت**
-

اصلاً چرا مردم انگلیس به این وضعیت که برایشان بحران سرزد شده، رأی دادند؟ برای اینکه خیلی از آنها محروم بودند و از پیامدهای تجارت متقابل یا همان تجارت جهانی بهره نبرده‌اند. برای اینکه مردمانی هستند که نمی‌توانند از نظر اقتصادی خود را به روز کنند. مثلاً یک کارخانه که به صورت سنتی اداره می‌شد الان باید تعطیل شود چون قابلیت رقابت در سطح جهانی را ندارد، به کارگرمی تو گفت که بروید تخصص بسازید بگیرید چراکه سواد و دانش آن را ندارد. مردم انگلیس از همین دست افراط هستند آنها چون از رده خارج شده‌اند رأی به رافراندم و خروج از اتحادیه اروپا دادند.

پس می‌توان گفت که این خروج یعنی شکست دولت رفاهی است که انگلیسی‌ها شعار آن را می‌دادند و ادعا داشتند که می‌توانند تمام خواسته‌های رفاهی جامعه را مرتفع کنند؟ دولت رفاه که به حزب ارتباطی نداشت، بلکه مسئله حاکمیتی بود که بعد از جنگ جهانی دوم شکل گرفت که نفوذ کمونیسم بر اروپای غربی و از جمله در انگلیس را خنثی کنند و وقتی در دهه ۷۰ بحران اقتصادی در جهان ایجاد شد، شروع به کوچک کردن دولت رفاه کردند. این مسئله حزبی نیست بلکه مسئله سیستم کلان انگلیس است.

به هر حال آن سیستم وقتی جواب نداده مردم به سمتی کشیده شده‌اند که به دنبال مؤلفه‌های خسارخ از ساختار حاکمیتی باشند. مثلاً در انتخابات اخیر فرانسه به کسی رأی می‌دهند که فکر می‌کنند با ساختار قبلی حاکم بر کشور فاصله دارد، یا در امریکا به ترامپ رأی داده می‌شود که حین می‌کنند در قالب ساختار دو حزبی حاکمیتی قرار ندادند؟

در سیستم غربی فرد یا حزب کارامی نیست بلکه براساس سیستم حاکم رفتار می‌کنند. ما براساس همین اصل است که می‌گوییم دولت رفاه دچار ناکارآمدی شده که نتیجه آن رأی مردم به برگزیت است؟

حزب برای این است که مخاطبان احساس کنند که در حکومت مرکزی سهمی دارند و این امر چرخش پیدا کند اما در سطح کلان از جمله

از خطبه‌های حضرت علی(ع) است آن‌گاه که پدربری به حضرت خبیر رسید که ارتش معاویه به شهرها دست‌اندازی کرده‌اند؛ ای کوفه، اگر مرا جز تو نباشد در حالی که بادهای فتنه‌ات بوزد، خدایت زشت‌کند، شنیده‌ام بسیر وارد یمن شده؛ سوگند به خدا می‌بیمم که این قوم به زودی بر شما چیره شوند به خاطر اجتماعی که آنان بر پادشاهان دارند، و

گروهی از اعضای هیئت‌مدیره شرکت هواپیمایی ایران

گروهی از اعضای هیئت‌مدیره شرکت هواپیمایی ایران

در مورد انگلیس سرعت رشد اقتصادی چنان پیش رفته بود که یک سری از این پیشرفت اقتصادی عقب مانده بودند و در نتیجه رأی به خروج دادند.
با توجه به پیشینه تاریخی مردم ایران نسبت به خیانت‌های بریتانیا آیا ایران و انگلیس می‌توانند با بهره‌گیری از برجام رابطه‌ای جدید را ایجاد کنند که هم ذهنیت گذشته مردم پاک شود و هم اینکه دستاوردهای دو جانبه از این تعاملات ایجاد شود؟

نیمه اول سولتائن درباره دید منفی مردم ایران به انگلیس یا اینکه دید تئوری توطنه دارند، این را بگویم که مردم ایران هنوز فکر می‌کنند که انگلیس همچنان ابرقدرت است به این دلیل است که اطلاعاتشان درباره انگلیس بسیار کم است چرا کم است؟ چون آموزش در انگلیس بسیار سخت است و اکثراً نمی‌روند امریکا تحصیل می‌کنند و لذا این بی‌اطلاعاتی در ایران و البته منطقم می‌چرخد و ادامه دارد. در قرن نوزدهم همه قدرت‌ها برای حیات خود رقابت می‌کردند و در این راه نیز زمانی که با کشورهای دیگر قرارداد می‌بستند به سود مورد نظرشان نمی‌رسیدند زیر آن می‌زدند و کشورهای منغل و ضعیف مانند ایران هم در زمان قاجاریه و دوره دیگر به دلیل بی‌اطلاعی از واقعیت‌ها یک دید منفی ناخودآگاه از انگلیس را در خود پرورش می‌دادند. من نه از انگلیس تعریف و نه تنقید می‌کنم بلکه به عنوان یک استاد می‌فرطانه به آن می‌پردازم. در حال حاضر انگلیس یک قدرت درجه سوم در اروپا از نظر اقتصادی است و در دنیا در رده ششم قرار دارد، لذا صورتی که درباره انگلیس وجود دارد با واقعیت عیناً به کل متفاوت است. در قسمت دوم سولتائن درباره برجام و نقش انگلیس باید بگویم که منافع ملی انگلیس براساس تجارت است و دوست دارد با هر جای که منافع آن را تأمین کند ارتباط داشته باشد، خیلی از کشورها از جمله امریکا و

برخی اروپای‌ها شیطنستان علییه ایران بیش از انگلیس است، بنابراین مقدم انگلیس می‌خواهد برای بقای خود تلاش کند، چنانکه در خاورمیانه از چین گرفته تا کشورهای دیگر آمده‌اند دل جری باسی می‌یابند که وقتی این جنگ‌ها تمام شد یک برجام هم به نفع تمام اروپا است.
چرا بایدیندی به برجام به نفع اروپاست؟ برای اینکه اولاً یک مسئله نهادینه است و کسی نمی‌تواند آن را باطل سازد و بعد هم اینکه ادعاهای ترامپ در خروج از برجام برای مصارف داخلی کشور خودشان است و در عمل نمی‌تواند کاری کند. اگر به خاطر داشته باشید زمانی آلمان، فرانسه و انگلیس آمدند رایزنی کردند که ایران تحریم نشود چرا این را می‌خواستند چون آنها خود ضرر می‌کنند.

یعنی اروپایی‌ها در امریکا در فشار به ایران تبعیت نخواهند کرد؟

بیینید واقعیت این است که اروپای غربی عملاً زیر بلیت امریکا است و اگر امریکا برای تحریم ایران فشار بیآورد آنها مجبور به حمایت هستند که دیدیم در دوره قبلی در حالی که دلشان نمی‌خواست ایران تحریم شود چون بازار مصرف نمی‌است و جمعیت بالایی دارد، اما مجبور به تبعیت از امریکا شدند. بنابراین الان هم انگلیس نمی‌خواهد یک ناهماهنگی در برجام ایجاد شود، چراکه خود ضرر می‌کند اگر هم زمانی سخنی می‌گوید برای این است که در کلان تر منافعش با امریکا گره خورده است. ولی عملاً انگلیس خیلی از مواقع دوست ندارد ایران تحریم باشد. واقعیت این است که وقتی امریکا می‌گوید ایران، روسیه و چین تحریم شوند، اروپا ناراحت می‌شود چون منافع اقتصادی‌اش تحریم می‌شود.

صراًتاً بگویید که با این تفاسیر آیا فشار امریکا آن قدر هست که اکنون در عمل اروپا تأثیر بگذارد یا آنها مستقل عمل می‌کند؟

مسلم است وقتی فشار امریکا رویشان باشد تسلیم می‌شوند.

آمریکای ترامپ را می‌گوییم...

پادتان نرود که امریکای فعلی همان امریکای قبلی است و صحبت‌های ترامپ برای شعارها و مباحث داخلی است و پیامد آن نیز فقط تنش است و پیامد مثبتی ندارد. دولت ترامپ از ابتدای روی کار آمدن تاکنون یک لایحه را نتوانسته در کنگره تصویب کند و اقداماتش صرفاً ویتربینی و نمایشی است؛ اینها را نباید جدی گرفت.

اما ترامپ با این همه شعار ضد ایرانی؟ تصمیم‌گیری درباره برجام را به کنگره سیرد؟ چون می‌خواهد در برابر لابی‌ها و حوزه‌های انتخاباتی که از او حمایت می‌کنند پاسخگو نباشد. چون هر بار که بخواهد هر ۹۰ روز برجام را تأیید کند باید به طرفدارانش پاسخگو باشد که چرا تمدید می‌کند لذا با ارسال آن به کنگره این امر از سر خود باز کرده است. حتی درباره قرارداد پاریس که درباره آب و هوا بود نمی‌تواند کاری کند چنانکه در سخنانش می‌گوید که راهی نخواهم یافت. وقتی شما قراردادی را امضا می‌کنید که نمی‌توانید آن را به هم بزنید. اینها صحبت‌هایی است که نامزدها در زمان انتخابات مطرح می‌کنند

و بعد از انتخاب شدن طفره می‌روند. شما از روابط امریکا و انگلیس تنقید در این مورد دو دیدگاه مطرح است، یک نگاه این



است که با توجه به سابقه استعاری انگلیس، این امریکااست که زیر بلیت انگلیس است، دیدگاه دیگر این است که انگلیس تحت سلطه امریکااست و براساس خواست آن رفتار می‌کند. این موضوع را برابمان تبیین می‌کنید؟

■ **غرب چاره‌ای جز کنار آمدن با ما ندارند. آنها اگر با ایران کنار بیایند ایران می‌تواند بسیاری از بی‌ثباتی‌های منطقه را برایشان حل کند از مسئله سوریه گرفته**

■ **تا مسائل خلیج‌فارس و... در این اساس گفتارها و چانه‌زنی‌های مطرح شده توسط ترامپ برای مصروف داخلی امریکا است**

خیلی راحت بگویم که هر دو دیدگاه غلط است. این تئوری توطنه است که عملاً امری نادرست است چراکه در علم سیاست اصل تئوری وجود ندارد که بخواهد چیزی به نام تئوری وجود داشته باشیم. هر چیزی دلیل دارد با هست یا نیست و نمی‌توان به صورت ظاهری و گفتاری صرف، در مورد موضوعی صحبت کرد. انگلیس از اول قرن بیستم رو به افول رفت و امریکا به عنوان ابرقدرت جهان قدرت گرفت.

انگلیس از بعد از جنگ دوم جهانی برای حفظ خود به زیر چتر امریکا رفت و افرادی مانند روزولت و کندی رؤسای جمهور امریکا به انگلیس گفتند که منافع جهانی خود را فراموش کنید بپیگری منافع اروپایی باشد و در اروپا جایی برای خود بیابید. لذا گزینه اول که برخی معتقدند غیر ممکن است و برداشتی بی‌سوادانه است. اما مسئله دوم هم به هر حال باید در نظر داشت که انگلیس برای خود یک وزنه است. انگلیس یک کشور ثروتمند است که عضو دائم شورای امنیت است و اما به هر حال چون امریکا یک ابرقدرت است تحت نفوذ است؛ بنابراین براساس منافع ملی ایران به صلاح نبود که وارد مذاکره با امریکا شود، لذا امریکا و در فضای تهمت زدن شد و ادعای فعالیت ایران در مسیر سلاح هسته‌ای را مطرح کرد و این تهمت زدن را به عنوان وسیله‌ای برای تحریم کردن مورد استفاده قرار داد.

دوباره با آن قرارداد ببندد که از حوزه خارج بودن استراتژی غرب به داخل استراتژی آنها بیاید، صرفاً اولاً از قرون وسطی تا به امروز روسیه یک قدرت بوده، منطقه حد فاصل سه منطقه دریای خزر و خلیج‌فارس برای غرب یک منطقه حساس شده است و در سیاست خارجی روسیه نیز جای ایران است که در مسائل کلان این منطقه دخالت نکند. چنانکه به رغم همه مشکلاتی که روسیه با امریکا داشت و حتی چینی‌ها با امریکا داشتند، اما در موضوع هسته‌ای و امضای برجام با آنها همکاری می‌کردند در حالی که مانند مسائل دیگر می‌توانستند از وتو استفاده کنند. پس مسئله امریکا یک مسئله سیاسی است و نه اقتصادی.

الان پس از مذاکرات هسته‌ای مذاکرات درباره فعالیت‌های موشکی و دفاعی ایران را مطرح می‌کنند؟ آیا در همین چارچوب است؟

اینها همه برهبری از سیاست داخلی امریکا و اسرائیل است.

- متأسفانه در داخل کشور هنوز این تفکر وجود دارد که ایران یک کشور عقب مانده است در حالی که در عالم واقع ایران یک قدرت منطقه‌ای یا نفوذ و دارای جایگاه خاص است و اروپا هم این را می‌داند. واقعیت این است که آنها دریافته‌اند که ایران می‌تواند در بسیاری از مسائل منطقه نقش تعیین‌کننده داشته باشد**
-

تفرقه‌ای که شما از حق دارید، و محض اینکه شما در حق به امام خود عاصی هستید، و آنان در راه باطل معبر رهبر خویشند، و به علت اینکه آنان امانت او را ادا می‌کنند و شما خیانت می‌ورزید، و به جهت اینکه آنان در شهرهای خود درستارند و شما فاسد هستید. من اگر قحح چوبینی در اختیار شما بگذارم می‌ترسم بند بی‌ارزش آن را ببرید.

گروهی از اعضای هیئت‌مدیره شرکت هواپیمایی ایران

گروهی از اعضای هیئت‌مدیره شرکت هواپیمایی ایران

یعنی تنها خوراک داخلی آنهاست؟
بله همین طور است. و متأسفانه مردم عوام که تخصصی آن را ندارند تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند. حتی مسئله کره شمالی یک مسئله سیاست داخلی کره شمالی است و امریکا شعارها و انعکاس‌هایش به ظاهر رویکرد دیگری به خود می‌گیرد.

نمی‌شود این‌طور بیان کرد که آنها سعی دارند مانند زمانی که ادعای تهدیدات هسته‌ای را مطرح و بعد تحریم ایران را اجرا کردند تا ما را پای میز مذاکره هسته‌ای بیاورند حالا با ادعای تهدیدات موشکی و فشار تحریمی بخواهند ایران را وادار به مذاکره موشکی کنند؟

اصلاً، ببینید اتحادیه اروپا که جزو طرفین برجام است اذعان کرد که مسئله دفاعی ایران جزء این قرارداد نیست. بخش‌ی از صحبت‌های ترامپ بیشتر برگرفته از خوراک داخلی وی برای لابی‌ها و حوزه‌های انتخاباتی است. اگر از ابتدا اینطور قرار می‌بود که مسئله دفاعی جمهوری اسلامی ایران را وارد مذاکرات کنند، اصلاً وارد مذاکره نمی‌شدند. مسئله دفاعی ما اصلاً شامل قرارداد هسته‌ای نیست و نخواهد بود و خودشان هم می‌دانند.

چرا غرب اصرار داشت با ایران رابطه برقرار کند؟ دلشش موقعیت استراتژیک و جایگاه منطقه‌ای ایران است چراکه آنها چاره‌ای جز کنار آمدن با ما ندارند. اینا اگر سا ایران کنار بیایند ایران می‌تواند بسیاری از بی‌ثباتی‌های منطقه را برایشان حل کند از مسئله سوریه گرفته تا مسائل خلیج‌فارس و... بر این اساس گفتارها و چانه‌زنی‌های مطرح شده توسط ترامپ برای اصرار داخلی امریکا است. در صحبت‌های خود مصرف داشته‌اند که نگاه اروپا به ایران نگاه اقتصادی است و در عین حال شاهد هستیم که اروپا با امریکا مبنی بر لزوم عقب‌نشینی ایران از منطقه هم صدق است. با توجه به اینکه عمر داعش در منطقه رو به پایان است و به زودی فرآیند بازسازی آنها خارج‌سازی ایران از منطقه برای رسیدن به منافع اقتصادی کلان در روند بازسازی ویرانه‌های منطقه است؟

برخی اظهارات که مطرح می‌شود بیشتر یک رفتار سیاسی است به هر حال ۴۰ درصد تجارت اقتصادی دنیا میان اروپا و امریکااست و لاجرم باید در مواردی نزدیک مواضع خود را در قالب رسانه‌ای نشان دهند. ولی یک جاهایی اروپا در حال جدایی از امریکااست مثلاً در مورد شعارهای حمل جهانی از امریکا، اروپا خود را کنار کشیده و منافشان آن را سبک و سنگین می‌کنند. منظورمان این است امریکا اصلاً می‌خواهد بیج و مهره تحریم‌ها را باز کند یا نه؟

امریکا اصلاً به دیده اقتصادی به ایران نگاه نمی‌کند به دیده سیاسی نگاه می‌کند. منافع امریکا و اروپا مشترک نیست، بلکه موازی است. اروپایی‌ها چون در لب مرز فقر هستند به ایران و خاورمیانه به چشم موقعیت اقتصادی نگاه می‌کنند، اما امریکایی‌ها به دید استراتژیک نگاه می‌کنند. ایران از نظر استراتژیک از زمان پیروزی انقلاب با دست امریکا خارج شد. زمانی که انقلاب شد امریکایی‌ها را بیرون کردند و ایران مستقل شد، در گذشته البته مستعمره نشد و هنوز نفوذ بود چون حکومت‌های داخلی ایران در گذشته منغل بودند.

بعد از پیروزی انقلاب، ایران روی پای خود ایستاد و امریکا را بیسرون کرد و غرب به این نتیجه رسید که منطقه سوق الجیشی را از دست داده است و از زمان انقلاب تا امروز به دنبال بازگرداندن ایران به حوزه نفوذ خود بوده و هر دوطئی که در امریکا بر سر کار آمده سعی کرده تا با ارضیات رابطه‌ای امریکا دست اندازهایی را برای خود راهبرد غرب همواره بر آن بوده تا ایران در حوزیه استراتژیک آنها باشد، بویژه اینکه سایه روسیه به عنوان یک ابرقدرت باقی است. منتهی منافع ایران این اجازه را نمی‌دهد که وارد چنین رویکردی شود، چون این رویکرد مساوی تن دادن به شرایط قیل از انقلاب و قرار گرفتن در موقعیت تحت نفوذ است؛ بنابراین براساس منافع ملی ایران به صلاح نبود که وارد مذاکره با امریکا شود، لذا امریکا و در فضای تهمت زدن شد و ادعای فعالیت ایران در مسیر سلاح هسته‌ای را مطرح کرد و این تهمت زدن را به عنوان وسیله‌ای برای تحریم کردن مورد استفاده قرار داد.

پس این بهانه سیاسی بسود برای اینکه ایران

دوباره با آن قرارداد ببندد که از حوزه خارج بودن استراتژی غرب به داخل استراتژی آنها بیاید، صرفاً اولاً از قرون وسطی تا به امروز روسیه یک قدرت بوده، منطقه حد فاصل سه منطقه دریای خزر و خلیج‌فارس برای غرب یک منطقه حساس شده است و در سیاست خارجی روسیه نیز جای ایران است که در مسائل کلان این منطقه دخالت نکند. چنانکه به رغم همه مشکلاتی که روسیه با امریکا داشت و حتی چینی‌ها با امریکا داشتند، اما در موضوع هسته‌ای و امضای برجام با آنها همکاری می‌کردند در حالی که مانند مسائل دیگر می‌توانستند از وتو استفاده کنند. پس مسئله امریکا یک مسئله سیاسی است و نه اقتصادی.

الان پس از مذاکرات هسته‌ای مذاکرات درباره فعالیت‌های موشکی و دفاعی ایران را مطرح می‌کنند؟ آیا در همین چارچوب است؟

اینها همه برهبری از سیاست داخلی امریکا و اسرائیل است.

- متأسفانه در داخل کشور هنوز این تفکر وجود دارد که ایران یک کشور عقب مانده است در حالی که در عالم واقع ایران یک قدرت منطقه‌ای یا نفوذ و دارای جایگاه خاص است و اروپا هم این را می‌داند. واقعیت این است که آنها دریافته‌اند که ایران می‌تواند در بسیاری از مسائل منطقه نقش تعیین‌کننده داشته باشد**
-

+ سیاست ۳ | یکشنبه ۲۲ آبان ۱۳۹۶ | شماره ۶۰۹۶

مخاطب شما بیدار!

بیانات در دیدار نخبگان جوان علمی ۲۶ مهر ۱۳۹۶

شروع صنعت موشکی با بردیست کیلومتر

یک روزی بود که این کشور همین تهران که شما حالا بحمدالله با خیال راحت و با امنتیت [در آن] رفت‌وآمد میکندیز زیر موشکهای مدمام بود؛ خیلی از شماها شاید آن‌وقت در دنیا نبودید. ما هیچ وسیله‌ی دفاع نداشتیم. [درحالی‌که] همه به مدمام کمک میکردند؛ آمریکا برای همین موشکها و برای ابزارهای دفاعی و حتی برای نقشه‌ی میدان جنگ به مدمام کمک میکرد؛ ماهوار ه‌هایش و دیگران کمک میکردند. فرانسه کمک میکرد؛ فرانسه، هم موشک میداد، هم هواپیما میداد. آلمان کمک میکرد؛ مواد شیمیایی میداد. میدانید در موارد زیادی لشکر مدمام کار شیمیایی کردند. ما چقدر جانباز شیمیایی داریم، چقدر از آنها از دنیا رفتند! موادش را آلمان به اینها میداد. آلمان مواد شیمیایی در اختیار اینها میگذاشت که اینها بمب شیمیایی درست کنند.

حتی گاهی شاید بمب شیمیایی بمب بهشان میداد؛ همه کمک کردند؛ ما دست‌خالی بودیم، وسیله‌ای نداشتیم؛ [لذا] به فکر افتادیم که باید خب وسیله‌ی دفاعی درست کنیم. شروع کردیم؛ از مضر در واقع شروع کردیم. من اگر بگویم به شما و تصویر کنم که حالا متأسفانه وقت نیست که اولین چیزی که ما توانستیم برتاب کنیم که بردش هم حدود بیست کیلومتر بود چه بود، ممکن است خدمتان بگیرد! [وسیل‌های] مثل یک نواذن درست کرده بودند که ما مثلاً فرض کنید یوتونیم موشک آرپی‌جی‌را با یک شکلی از روی این نواذن برتاب کنیم، که مثلاً حدود پانزده کیلومتر یا بیست کیلومتر هم برود؛ این‌جوری شروع شد. بعد توانستیم توانایی‌ها را بیشتر کنیم. وقتی توانایی‌هایمان زیاد شد و دشمن دید که ما یوتونیم مقابل‌ه‌متمل کنیم، متوقف شد؛ این تجربه‌ی ما است. ما اگر چنانچه قدرت دفاعی خودمان را افزایش دهیم، دشمنان ما جری خواهند شد، گسختاخ خواهند شد، تسویق خواهند شد به اینکه به ما حمله کنند. باید قدرت دفاعی ما جوری باشد که دشمن تشویق نشود به یک اقدام و به دست از خا خطا کردن.

سیاست مجازی



فریب‌تان می‌دهندا

دربوش سجادی در کانال تلگرمی خود در واکنش به برخی موضع‌گیری‌ها اینطور نوشته که: تکنوکرات‌های متصل به حلقه نیویورک‌ها طی انتخابات ریاست جمهوری عوام فریبانه دل مردم را خالی می‌کردند که اگر رقیب بیروز شود طبل‌های جنگ بصد در خواهد آمد و این ما و نامزد ما می‌باشد که توان تعامل با دنیا (کدخدا) را داریم - همان تکنوکرات‌ها اینک و در فریبی دیگر در حال خالی کردن دل مردم‌اند! و علیرغم پیروزی دغل‌بازانه‌شان در انتخابات بار دیگر هشدار جنگ‌طلبی و آتش‌افروزی می‌دهند و سران و متحدینش را آماده جنگ با ایران معرفی می‌کنند تا این طریق با تزریق استیصال به بدنه جامعه و ایجاد فشار افکار عمومی نظام را در تنگنای کشنگری با کدخدا و برجایی‌های بعدی قرار دهند. آقایان مگر شما نبودید که به مردم وعده می‌دادید با روی کار آمدن ما گزینه جنگ از میان می‌رود؟ واقعیت آن است نه هشدار آن روز آن موقع ایشان صحت داشت و نه برپای هشدار آن روز و بخلاف خوبی که این تکنوکرات‌ها می‌کنند عروستان نه تنها استعداد جنگ با ایران را ندارد بلکه در شکننده‌ترین موقعیت سیاسی خود از درون قرار گرفته و آینده وحیمی را چشم انتظاری می‌کند.

پروژه غربی- عبری- عربی
ابوالفضل ظهرموند در کانال تلگرمی خود با انتشار عکسی از دیدار بن‌سلمان و ماکرون اینطور نوشته که: پروژه اطلاق‌شده سلمان پروژه مشترک غربی - عبری - عربی، نفت و ثروت سعودی و تکنولوژی و مدیریت غربی بازی برد - برد برای نجات دوطرف از فروپاشی و مهر نفوذ روبه رشد ایران - چین و روسیه به عنوان آخرین راه‌حل.

لزوم ثبت جهانی پیداهروی اربعین و یادآوری ساگرگرن آبیلی

محمدحسن قدیری‌ایبانه در کانال تلگرمی خود ابتدا با انتشار پستی یادآوری کرده که به ایام شهادت انبلی فردی که در زمان سفارت او در ایتالیا سلمان شد نزدیک می‌شویم و نوشته: «۲۴ آبان ساگرگرد شهادت مهدی اودارو آبلی است» در ادامه او درباره پیداهروی اربعین می‌نویسد: «کتبی مهم دیگر آن است که باید شرایطی را آماده کرد که مراسم راهپیمایی بزرگ اربعین حسینی به عنوان میراثی ارزشمند برای شیعه و ملت عراق و بلکه کل بشریت، ثبت جهانی شود؛ چراکه این میراثی است که به یقین، آیندگان به آن افتخار خواهند کرد. بی شک استقامت و پایداری ملت عراق در مقابل دشمنان خود و خارج شدن این کشور از سلطه امریکا با وجود چندین سال جنگ و جنایت، ریشه در ایمان و باوری دارد که ما در پیاده‌روی چندین میلیون نفری اربعین که بنابر برخی آمار گاهی حتی به بیش از ۱۷ میلیون نفر نیز می‌رسد، شاهد گوشه‌هایی از آن هستیم. آنچه مهم و بایسته است اینکه باید اهمیت، عظمت و تأثیرگذاری فوق‌العاده این جمعیت عظیمی را به رخ جهانیان کشید و اعتقادات این راهپیمایی شیعه را به طرق مختلف به ویژه از طریق ابزار رسانه به مردم دنیا توضیح داد و تبیین کرد که در عاشورای حسینی رخ چیزی رخ داده که این مردم پس از گذشت ۱۴۰۰ سال از آن، همچنان آن را مهم می‌دانند

و این گونه در اربعین شهادت امام حسین(ع) خود را به زحمت می‌اندازند تا به کربلا برسند و در عزاداری میلیونی این روز شرکت کنند. انجام چنین رسالتی می‌تواند گرایش بزرگی را به سمت اسلام و مطالعه آن در جهان ایجاد کند؛ چراکه همانا درس و پیام عاشورا و کربلا، درس آزادگی به همهٔ انبای بشری است.»

^[1] از آنجایی که در این مقاله از واژه‌های تخصصی و غیرتخصصی استفاده شده است